

حقوق مؤلف...

هر کس تصنیف یا تالیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره بدون اجازه مصنف یا مؤلف یا کسیکه حق تالیف را از مصنف یا مؤلف تحصیل نموده است کلاً یا بعضاً یا شخصاً یا بتوسط دیگری بطبع برساند بتأدیه فرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهد شد . مجازات فوق مقرر است و لویاتینکه مرتکب تصرفات جزئیة هم در تصنیف یا تالیف که بدون اجازه بطبع رسانده است نموده باشد و معلوم شود که تصرفات مزبوره فقط برای حفظ ظاهر و فرار از تعقیب است.

ماده ۲۴۵ قانون مجازات عمومی

در کشور ما بسیاری از مسائل پراهمیت وجود دارد که درخور اهمیت خود مورد توجه قرار نگرفته است. از آن جمله حقوق مؤلف و مصنف است که بطور شایسته تحت قواعد و مقررات صحیح در نیامده است. *مطالعات فرهنگی*

زیان این عدم توجه و نبودن قانون و ضابطه صریح در این زمینه مهم نه چند آنست که با حصاء در آید و در ریک مقاله و گفتار بتوان حق مطلب را ادا کرد .

امنیت در هر امری لازمه محیط زندگی اجتماعی است تا افراد متفکر بتوانند در سایه آن پرورش یابند و با آرامش و ایمنی زندگی کنند ، اگر در ایجاد چنین وضع و محیطی تلاش و کوشش بکار نرود ناگزیر صاحبان افکار بلند رخت بر میگیرند و سرمایه فکری خود را به محیطی دیگر میبرند و بکار میاندازند ، سرمایه های مادی نیز همین سر نوشت را دارد و از محیط غیر مأمون میگریزد و بسرزمین محفوظ و مطمئن پناه میبرد .

فکر و نبوغ افراد تا محیطی مستعد و قابل پرورش و امن نیابند ظهور و تجلی

نمیکنند و با صاحب خود بمرور زمان از میان میروند و از بین رفتن افکار بلند و تجلیات عالمانه زیانی عظیم و غبنی فاحش برای جوامع بیار میآورد و اجتماع را در حال عقبماندگی نگاه میدارد .

نویسنده وقتی میبیند که حاصل فکر و اندیشه او را سوداگران بمعامله میگذارند و بهره و حصه‌یی برای او در نظر نمیگیرند قلم خود را میشکنند و با کاغذ آشنا نمیکند یا اگر خلجان فکری مانع حبس کردن آثار او شود با هول و هراس یادداشت‌هایی تهیه میکند و در گوشه و کنار کتابخانه‌ها یا محل‌های امن دور از دسترس همگان نگاهداری میکند و جامعه از استفاده از آن محروم میماند.

یا شاعر وقتی مشاهده میکند که مضامین اشعارش را بسرقت میبرند یا دیوانش را بدون حق و اجازه بچاپ میرسانند ذوق شعر و شاعری در او کشته میشود و میگوید:

بر آن سرم که دگر من ز شعر دم نزنم زبان بیندم و حرفی ز مدح و ذم نزنم
یا اگر شعری هم بگوید آنرا در گوشه و کناری مخفی نگاه میدارد.

همینطور علما ، محققین ، هنرمندان و سایر ارباب فضل و هنر نیز از ترس اینکه کار و زحمت فکری آنها مورد معامله و سودا قرار بگیرد دست از کار تحقیق و تعلیم میکشند و بجای آنکه باشوق و ذوق افکار خود را بکار بیندازند و موجبات پیشبرد اجتماع خود را فراهم کنند دست بروی دست می‌نهند و بوضع موجود تأسف میخورند.

در دنیای متمدن و پیشرفته این مسائل همه حل شده است ، اگر کسی اثری از خود ظاهر کرد آن اثر برای او و بنام او ثبت میشود و هیچکس بهیچ عنوان و بهیچ صورت حق استفاده از آن را نخواهد داشت و اگر احیاناً کسی افکار و آثار دیگران را وسیله سوداگری قرارداد بطرق مختلف مجازات میشود و با دآفره سخت می‌بیند ، در چنین اجتماعاتی فکر سوءاستفاده از افکار دیگران در مغزهای افراد رسوخ ندارد و تصور چنین امری نیز برای آنان دشوار است .

روی این اصل است که حتی اگر اثری هم از يك نفر چاپ کنند سعی میکنند

حقوق او را مراعات کنند و سهمی که او را در خورست بپردازند. شاهد صادق مثال، نوشته هموطن گمشده و گمنام ما میردیرکتوندی است که ناشرانی کتاب او را منتشر کرده اند و هم اکنون برای پرداخت حق السهم او در دنیا کاوش میکنند و بهر حال از سهم مقسوم خود تجاوز به سهم او نمیکند. اما، اثر همین نویسندگان ایرانی که معلوم هم نیست چه خواهد بود و ارزش ادبی آن چیست هم در جراید ایران و هم بصورت کتاب توسط افراد مختلف چاپ خواهد شد و چه سامنبر استفاده‌ای هم برای افرادی بشود اما بطور قطع دیناری به مؤلف مقفود الاثر یا کسان او از طرف هیچکس داده نخواهد شد و این همان ظلمی است که ما از آن در رنجیم و امیدواریم در آینده از محیط ما رخت بر بندد.

کار تجری در دزدی آثار دیگران و چاپ نوشته‌های نویسندگان و محققین بجائی رسیده است که اخیراً جمعی از ناشران با استفاده از دستگاههای افست‌عین کتاب را چاپ میکنند و مرجعی هم که بتواند متخلف را مجازات کند یا قانونی که بتوان بوسیله آن در صدد احقاق حق برآمد وجود ندارد. در قانون جزای ایران فقط ماده اختصاص به موضوع تصنیف و تألیف و ثبت علائم تجارتي دارد و شاید تا کنون سابقه نداشته باشد بکنفر متخلف را در این زمینه محاکمه و محکوم کرده باشند.

موضوع حفظ حقوق مؤلف و مصنف و هنرمند را سال گذشته با بصورتی در مجله مطرح کردیم و مورد توجه و اقبال علاقمندان قرار گرفت و خیلی خرسندیم که هم اکنون وزارت فرهنگ و هنر لایحه جامع و کاملی تهیه کرده و بتصویب هیئت وزیران نیز رسانده است و قرار است بزودی به مجلس شورای ملی تقدیم کند. این لایحه شامل هر نوع کتاب و نوشته و سخنرانی و خطابه و کارهای مربوط به تأثر، موسیقی، آهنگهای با گفتار و بی گفتار، کارهای سینماتوگرافی، کارهای مربوط به طراحی و نقاشی و معماری و مجسمه‌سازی و گراور و لیتوگرافی، کارهای مربوط به عکاسی، تصاویر، نقشه‌های جغرافیائی، کارهای مربوط به هنرهای ملی که با تکرار تباط داشته و بصورت نوشته یا نقشه یا هر صورت دیگری ثابت و مستقر شده باشد مانند طرحهای مربوط به نقالی، گلیم پارچه، خاتم‌سازی، مینا‌سازی، خوش‌نویسی، تذهیب، زری بافی، کاشی‌سازی،

منبت کاری و کنده کاری روی چوپ، سبذبافی، حصیربافی، گچ بری، آینه کاری، ملیله دوزی، قلمکارسازی و باسمه کاری و ترمه بافی و بافندگی دستی و قلابدوزی همچنین ترجمه کتابهای علمی و ادبی و هنری و فنی و اقتباس از آنها، تدوین مجموعه تألیفات و منتخبات مؤلفان و مصنفان، تهیه شرح حال و مجموعه اشعار شاعران، تشریح و توضیح و تحشیه کتابهای علمی و ادبی و هنری و فنی و نظایر آن میشود و برای کسانی که بدون اجازه مؤلف و مصنف و صاحب فکر از تألیف و تصنیف یا اثر او استفاده یا سوء استفاده کند مجازاتی خاص تعیین کرده و حقوق صاحبان فکر و اثر را حفظ کرده است. امیدواریم این لایحه هر چه زودتر از تصویب قوه مقننه بگذرد و مأمنی برای مؤلفین و هنرمندان و کسانی که آثار فکری آنها دستخوش سوء استفاده سوداگران قرار گرفته است بشود. در این زمینه گفتنی زیاد است و دنباله سخن را بفرستی دیگر واکندار میکنیم.

وحید

نماز.....

غلامحسین
یوسفی

بزم خالی شد چرا؟ يك تن زاهل دل نماند
بی سرود عشق دیگر رونق محفل نماند
عاشقان را مقصدی جز نقش آب و گل نماند
باغ را غیر از درختی چند بی حاصل نماند
دولت غم را بنامم کو زما غافل نماند
همرهمی تا دست من گیرد درین منزل نماند
اختری همراز من در این شب هائل نماند
در افق حتی نشانی نیز از ساحل نماند

شمهها خاموش شد، نوری درین محفل نماند
نغمه ها بشکست چنگ و نای را اندر گلو
نکته عشق از ضمیر عشق بازان محو شد
گرد غم گویی بر روی شهر پاشید آسمان
دکس نمی پرسد که یاری داشت حق دوستی،
در کویر خشک هر سویی سراپم می کشد
آسمان را ابر پوشید و جهان تاریک شد
دست و پایی می زنم در چار موج غم ولیک